



دختر

دختر دو معنا دارد یکی به معنای فرزند مونث است که در مقابل پسر می باشد و دیگری به معنای دوشیزه و باکره است

فهرست مندرجات

- ۱ - معانی اصطلاحی دختر
- ۲ - موارد کاربرد واژه دختر در ابواب فقه
- ۳ - احکام
- ۳.۱ - دختر از محارم نسبی است
- ۳.۲ - عدم وجوب قضای نماز و روزه والدین بر دختر
- ۳.۳ - عدم مالکیت انسان بر دختر خود
- ۳.۴ - استحباب نهادن نام فاطمه بر دختران
- ۳.۵ - استحباب ختنه دختر
- ۳.۶ - ازدواج با مادر دختر موجب حرمت ازدواج با ربیبه
- ۳.۷ - کراهت ازدواج با دختر قابله خود
- ۳.۸ - حضانت دختر تا هفت سالگی با مادر است
- ۳.۹ - دختر و مساله ارث
- ۴ - موارد کاربرد معنای دوم دختر در فقه
- ۵ - جواز و عدم جواز غسل دادن دختر بچه توسط نامحرم
- ۶ - ادرار دختر بچه شیر خوار
- ۷ - بلوغ دختر
- ۸ - نشانه های رشد دختر
- ۹ - بوسیدن دختر بچه شش ساله توسط نامحرم
- ۱۰ - پانویس
- ۱۱ - منبع

معانی اصطلاحی دختر

دختر یعنی **فرزند اناث**، که مقابل **پسر** و **انسان مؤنث** که مقابل **مذکر** است یا دوشیزه و باکره.

موارد کاربرد واژه دختر در ابواب فقه

از دختر به معنای نخست در بابهای **صلات**، **جهاد**، **نکاح** و **ارث** سخن گفته‌اند. و از دختر به معنای دوم در باب **طهارت**، **حجر** و **نکاح** سخن گفته‌اند.

احکام

← دختر از محارم نسبی است

دختر از محارم نسبی است [۱].

← عدم وجوب قضای نماز و روزه والدین بر دختر

بنابر قول مشهور، نماز و روزه قضای پدر و مادر بر دختر واجب نیست، هرچند فرزند ارشد باشد و میت پسری نداشته باشد.

← عدم مالکیت انسان بر دختر خود

انسان مالک دختر خود نمی‌شود؛ از این رو، نمی‌تواند او را به **بردگی** بگیرد و به محض **خریدن** وی، به طور قهری **آزاد** می‌شود [۴]

← استحباب نهادن نام فاطمه بر دختران

نهادن نام **زنان صالح**- با ترجیح نام «**فاطمه**» بر دیگر نامها- بر **نوزاد** دختر بر ولیّ او **مستحب** است [۵]

← استحباب ختنه دختر

چنان که **ختنه** دختر بویژه در هفت سالگی بر **ولی** او **مستحب** می‌باشد [۶]

← ازدواج با مادر دختر موجب حرمت ازدواج با ریبیه

ازدواج و آمیزش با زنی موجب **حرام شدن** دختر زن بر مرد می‌شود [۷]

← کراهت ازدواج با دختر قابله خود

ازدواج شخص با دختر **قابله** خود بنا بر مشهور **مکروه** است. [۸]

← حضانت دختر تا هفت سالگی با مادر است

بنا بر مشهور، **حضانت** دختر تا **هفت سالگی** با **مادر** است و **پدر حق** جلوگیری و مخالفت ندارد [۹]

← دختر و مساله ارث

دختر از **طبقه اول ارث** به شمار می‌رود و **سهم** او **نصف سهم پسر** است؛ البته اگر **میت** در **طبقه اول** وارثی جز دختر نداشته باشد، تمامی ارث به او می‌رسد [۱۰]

موارد کاربرد معنای دوم دختر در فقه

از دختر به معنای دوم در باب **طهارت**، **حجر** و **نکاح** سخن گفته‌اند.

جواز و عدم جواز غسل دادن دختر بچه توسط نامحرم

بنا بر **قول مشهور**، **مرد نامحرم** می‌تواند بدن دختر **بچه** مرده‌ای را که بیش از سه سال ندارد، بدون **لباس غسل** دهد. [۱۱] [۱۲] [۱۳] برخی **قدما** **جواز** آن را مقید به عدم وجود **هم جنس** [۱۴] و برخی دیگر به عدم وجود **محرّم** کرده‌اند. [۱۵] برخی **قدما** **غسل دادن** دختر بچه کمتر از پنج سال را نیز **جایز** دانسته‌اند. [۱۶] برخی معاصران گفته‌اند: مرد می‌تواند دختر بچه غیر ممیز را غسل دهد. [۱۷]

ادرار دختر بچه شیر خوار

ادرار دختر بچه **شیرخوار** بنا بر مشهور در صورت **ملاقات** با لباس، همچون **ادرار** انسان بالغ باید آب کشیده شود و **غساله** آن با فشردن خارج گردد؛ برخلاف **ادرار پسر بچه شیرخوار** که صرف **آب ریختن** روی آن کفایت می‌کند و نیازی به فشردن و اخراج **غساله** ندارد. [۱۸]

بلوغ دختر

بنا بر قول مشهور، دختر وقتی نه سال قمری‌اش تمام شد **بالغ** می‌گردد، مگر آنکه دیگر نشانه‌های **بلوغ**، از قبیل **روییدن** موی درشت بر **شرمگاه**، قبل از آن تحقق یافته باشد [۲۰]

نشانه های رشد دختر

حفظ مال از **تذیر** و **اسراف** و روی آوردن به کارهایی از قبیل **بافندگی** و **تولید** و غیر آن از فعالیت‌های مناسب **زنان**، از نشانه‌های **رشد** دختر است. از دیگر راه‌های **ثبوت رشد** وی، **شهادت** دو **مرد عادل** یا **چهار زن عادل** و یا یک مرد و دو زن عادل است [۲۱] [۲۲]

بوسیدن دختر بچه شش ساله توسط نامحرم

پانویس

۱. ↑ تحریر الوسيلة، ج ۲، ص ۲۶۲.
۲. ↑ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۵-۴۰.
۳. ↑ مستمسک العروة، ج ۷، ص ۱۴۱.
۴. ↑ جواهر الکلام، ج ۲۴، ص ۱۴۱.
۵. ↑ جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۵۴.
۶. ↑ جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۶۲.
۷. ↑ جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۲۲۹.
۸. ↑ جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۴۸۴.
۹. ↑ جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۹۱.
۱۰. ↑ جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۱۱۲.
۱۱. ↑ جواهر الکلام، ج ۴، ص ۷۰.
۱۲. ↑ جامع المدارک، ج ۱، ص ۱۶۴.
۱۳. ↑ مصباح الهدی، ج ۵، ص ۴۳۹-۴۴۱.
۱۴. ↑ الميسوط، ج ۱، ص ۱۷۴.
۱۵. ↑ المقنعة، ص ۸۹.
۱۶. ↑ المقنعة، ص ۶۲.
۱۷. ↑ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۳۲۰ م ۵۶۰.
۱۸. ↑ مدارک الاحکام ج ۲، ص ۲۳۲-۲۳۳.
۱۹. ↑ جواهر الکلام، ج ۶، ص ۱۶۴-۱۶۸.
۲۰. ↑ جواهر الکلام، ج ۲۶، ص ۲۸.
۲۱. ↑ جواهر الکلام، ج ۲۶، ص ۵۱.
۲۲. ↑ مسالک الافهام، ج ۴، ص ۱۵۱.
۲۳. ↑ جواهر الکلام ج ۲۹، ص ۸۲.
۲۴. ↑ مبانی العروة (النکاح)، ج ۱، ص ۹۰-۹۳.
۲۵. ↑ هدایة العباد (کلیهات)، ج ۲، ص ۳۰۸.
۲۶. ↑ وسیلة النجاة، ص ۶۹۹.

منبع

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص ۵۸۷.

رده‌های این صفحه : فقه | احکام بانوان